

## بایسته‌های روابط ایران و روسیه؛ معلق میان تحریم‌های غرب تا بحران سوریه

روح‌الله تقی‌نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

تحریم‌های غرب علیه روسیه که در پی بحران اوکراین صورت گرفت، می‌توانست عاملی درخور برای نزدیکی دو کشور ایران و روسیه بویژه در زمینه روابط تجاری و اقتصادی بوده باشد. اما آیا واقعاً در عمل نیز شاهد همکاری‌های بیشتر اقتصادی و سیاسی دو کشور پس از تحریم‌ها بوده‌ایم؟ همچنین، بحران سوریه بعنوان اصلی‌ترین بستر همکاری بین‌المللی دو کشور تا چه اندازه توانسته بر روابط دو کشور تأثیرگذار باشد؟ به دیگر سخن؛ بایسته‌های روابط دو کشور ایران و روسیه در میانه دو مسأله تحریم‌ها و بحران سوریه چگونه تحلیل می‌گردد؟ در این نوشتار به میزان و سطح رشد رابطه دو کشور پس از تحریم‌های ۲۰۱۴ غرب علیه روسیه، و نیز پس از بحران جنگ داخلی سوریه پرداخته می‌شود و در نهایت یافته‌های پژوهش، علیرغم پنداشته‌های تئوریک، ما را به عدم ارتقای روابط اقتصادی و نیز رشد روابط سیاسی - راهبردی پس از جنگ داخلی سوریه، و در واقع اولویت رابطه رئالیستی «راهبردمحور» بر رابطه بر پایه تعامل «اقتصادمحور» و نظریات لیبرالیستی وابستگی متقابل رهنمون خواهد ساخت.

**کلیدواژه‌ها:** روابط خارجی ایران و روسیه، تحریم‌های غرب، بحران سوریه

### ۱) بیان مسئله

پیش از تحریم‌های غرب علیه روسیه، بایسته‌های روابط دو کشور ایران و روسیه را در طیفی از الزامات تکنولوژیکی، به سمت بایسته‌های برجسته‌تر انرژی‌پایه، و مبتنی بر همکاری‌ها در راستای کسب بیشترین انتفاع در زمینه انرژی می‌توان جای داد. (جعفری و تقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۵۷)

حجم مبادلات تجاری تا سالهای ۱۳۸۵ در حدود ۴۰۰ میلیون دلار بود که تا سال ۱۳۸۶ به حدود چهار و نیم میلیارد دلار رسید. در واقع؛ از نیمه دهه ۱۹۹۰، تحت دکتورین اوراسیاگرایی جدید در سیاست خارجی روسیه، روابط دو کشور پیوسته گسترش یافته است که بیشتر در زمینه مسائل سیاسی، نظامی و امنیتی نمود داشته است و روابط تجاری و اقتصادی دو کشور همواره با چربش و رابطه نابرابر برتری روسیه همراه بود. روسیه، هفتمین شریک تجاری ایران بود اما در مقابل روند صادرات ایران به روسیه نوسان چندانی نداشته است و ایران، طرّفی از این میان نبسته است.

اما با تصویب تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، بتدریج از میزان همین حجم روابط هم کاسته شده تا جایی که در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ به رقم نزولی حدود یک میلیارد دلار رسید. به همین روی، پیش از تحریم‌های سال ۲۰۱۴ غرب علیه روسیه و در شرایط تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران؛ مسکو با بهره‌برداری از این تحریم‌ها می‌کوشید تا خود را به تنها شریک تجاری این کشور بدل کند و شروط و شیوه خود را همواره به حاکمان تهران تحمیل سازد. این نگرش عمدتاً در پرتو سیاست دولت مدودف در سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ در نگاه به غرب، و همکاری در تصویب قطعنامه‌های شش‌گانه تحریم

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی تهران (رایانامه: r\_taghinejad@diplomats.com) و عضو پیوسته Iranian International Studies Association انجمن ایرانی روابط بین‌الملل

ایران شکل گرفت. از مهمترین موضوعات در دستور کار سیاست خارجی روسیه، تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران بود، چرا که در چارچوب منطق رئالیسم، در میانه‌ی ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک، روسیه گزینه نخست را ترجیح می‌داد. از این رو برخورد روس‌ها جهت ارتباط با ایران همواره در قالب یک واقع‌گرایی سطحی بوده است.

پس از اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه که در پی بحران اوکراین صورت گرفت، موضوع تأثیر این تحریم‌ها و مشابهت و مبتلابه بودن همین مسأله از اندکی پیشتر برای ایران؛ می‌توانست عاملی درخور، برای نزدیکی دو کشور بوده باشد. اما آیا این پنداشته تئوریک وابستگی متقابل لیبرالیستها درست در آمد و سبب افزایش همکاری‌ها گردید؟ همزمان با تعمیق و گسترش و نیز جهانی شدن بحران جنگ داخلی سوریه بستر مغتنم دیگری برای ارتقای روابط دو کشور پدید آمد.

در واقع پرسش این پژوهش این است که:

از میان دو بستر و فرصت تحریم‌های غرب علیه ایران و روسیه و نیز فرصت بحران سوریه، چه تأثیری بر روابط دو کشور گذارده است؟ به دیگر سخن؛ کدامیک از دو بستر و فرصت مغتنم "فضای پس از تحریم‌های غرب علیه روسیه" و نیز مسأله "بحران کشور سوریه" و پر پایه کدام تحلیل نظری، سبب ارتقای روابط دو کشور ایران و سوریه شده است و چرا؟ یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها با ابزار نظریه‌های روابط بین‌الملل ما را به این فرضیه رهنمون می‌سازد که: تحریم‌ها، برخلاف پنداشته‌های وابستگی متقابل لیبرالیستی، تأثیر چندانی بر روابط دو کشور نگذاشته است اما بحران سوریه توانسته سبب رشد بی‌سابقه روابط دو کشور گردد. این بدان معناست که رشد و تعمیق روابط «سیاسی و راهبردی» در سنجش با روابط «تجاری و اقتصادی»، همچنان به برتری آموزه‌های رئالیسم بر وابستگی متقابل لیبرالیسم تأکید دارد.

## ۲) مرور پیشینه‌ها

به یمن دو نشریه آسیای مرکزی و قفقاز و نیز اوراسیای مرکزی و نیز موسسات پژوهشی مانند موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) و واحدهای دانشگاهی همانند کرسی آسیای مرکزی و قفقاز برای کارشناسی ارشد و دکتری و نیز جذابیت پژوهش و مطالعه در زمینه‌ی مناسبات ایران و روسیه، به موازات بسط روابط روزافزون و ناگزیر دو کشور، در کشور شاهد رشد کمی و کیفی پژوهش‌های این حوزه و نیز تربیت پژوهشگران علاقمند هستیم. در ذیل به تعدادی از کتب و مقالات انگشت شمار این حوزه اشاره می‌شود و پرپیچیداست که به نوشتارهای ژورنال و مقالات و یادداشت‌های روزانه صاحب‌نظران برجسته و مجریان عرصه روابط سیاسی این حوزه مجال پرداخت داده نمی‌شود.

محمد حقوقی و یدالله دهقان در پژوهش «بررسی عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه» سه سطح ملی (دستیابی به منافع ملی و نیازهای علمی- فنی)، منطقه‌ای (مسأله‌ی تحکیم رژیم حقوقی دریاچه مازندران) و بین‌المللی (رقابت روسیه با غرب) را به تحلیل می‌پردازند و در فرجام؛ هر سه فرضیه‌ی یاد شده تأیید می‌شود بی‌آنکه تمایز ویژه‌ای بدست دهد. مهدی امیری نیز در مقاله‌ی «روابط دفاعی ایران و روسیه و تأثیرات آن بر امنیت منطقه»، به همکاری‌های نظامی دو دهه‌ی اخیر دو کشور می‌پردازد و موانع و محرکه‌های روابط دفاعی دو کشور را به بحث می‌نشیند. همانگونه که از عنوان مقاله برمی‌آید، پژوهش به بیان و تحلیل آنچه هدف پژوهش فراروی (تحلیل بایسته‌های انرژی‌محور) است، نمی‌پردازد. محمود شوری نیز در «گفتمان کاوی در روابط ایران و روسیه» و نیز در «ساختار گفتمانی مرحله جدید در روابط ایران و روسیه» مدعی است که نگاه روسها به ایران برپایه‌ی تجارت اقتصادی است ولی دید ایرانی‌ها به روسها براساس فرصت سیاسی. وی فراز و فرودهای گفتمانی روابط فیما بین و مسأله تغییر در قدرت و امنیت را به بحث می‌نشیند.

افشین زرگر نیز در «تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه» از اساس اتحاد استراتژیک دو کشور را بدلیل برداشت‌های روانی و تاریخی ایرانیان از روس‌ها غیرممکن و ناشدنی می‌داند. نگارنده زمینه‌های همکاری استراتژیک دو کشور را در سه دسته عوامل از هم باز می‌شناسد: الف) نظامی- استراتژیک (خریدهای تسلیحاتی و بخش نیروگاه اتمی) و نیز؛ ب) تعاملات در حوزه‌ی کاسپین، آسیای مرکزی و قفقاز (اینکه مسأله تحکیم رژیم حقوقی دریاچه مازندران و یا همکاری در چارچوب سازمان اکو، فدای همکاری نزدیکتر با روسیه از سوی ایران شده است) و همچنین؛ پ) همکاری‌های اقتصادی. مقاله بیش‌تر از آنکه به سوال پژوهش خود پاسخ گوید و در پی اثبات فرضیه‌اش (تأثیر عوامل روانی و هویت منفی ایرانیان در عدم اتحاد استراتژیک دو کشور) باشد، در پی توصیف صرف زمینه‌های همکاری موجود میان دو کشور بوده است.

در مورد حجم منابع نفت و گاز دریاچه‌ی مازندران نیز دو پژوهش سودمند خواهند بود: پژوهش «انگیزه‌ها و بازدارنده‌های برجسته در مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ی دریاچه‌ی مازندران»<sup>۱</sup> به کوشش حسین رفیع، پیمان جعفری تهرانی و روح الله تقی نژاد (۱۳۹۰) و مقاله «چین و منابع انرژی حوزه دریای خزر» به خامه علی امامی میبدی و بشیر اسماعیلی (۱۳۸۷).

در فصل دوم کتاب «رویکرد اقتصادی به روابط ایران و روسیه» به همت توسط موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد و با پژوهش مصطفی آذری و اصغر بالیسنی به مطالعه روابط ایران و روسیه در ده بخش بررسی پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه، بررسی پیشینه تاریخی و روابط اقتصادی، بررسی وضعیت تجاری کنونی، بررسی زمینه‌های همکاری، ایران و سیاست خارجی روسیه، فرصت‌ها و تهدیدهای روسیه برای ایران، فرصت‌ها و تهدیدهای ایران برای روسیه، خطوط لوله نفت و گاز دریای خزر، همکاری یا تقابل منافع و اهداف و سیاست‌های پیشنهادی جمهوری اسلامی در خصوص فدراسیون روسیه به آگاهی کامل از چشم اندازهای مناسبات ایران و روسیه دست می‌یابد.

مقالات «تحولات تحریم در پرتو تحولات بنیادین دهه‌های اخیر» (تدینی‌کازرونی و توکلی، ۱۳۹۰: ۹۱-۱۱۴)، و نیز مقاله «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی» (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۴۹-۳۶۵) هر کدام به نظریه‌های پیرامون تحریم پرداختند اما مورد کاربردی کشورمان را مصداق نیاوردند.

مقاله «بایسته‌های روابط آینده ایران و روسیه؛ از الزامات «فناوری پایه» تا اقتضائات «انرژی محور»» که توسط پژوهشگر تحقیق حاضر و با همکاری دکتر علی اکبر جعفری، مدیر پژوهش گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران در فصلنامه «مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز» (زمستان ۱۳۹۱) به چاپ رسید، توانسته است به بررسی ابعاد و الزامات روابط دو کشور ایران و روسیه پی فضای قبل از تحریم غرب علیه روسیه بپردازد و به بررسی ابعاد اقتضائات روابط دو کشور ایران و روسیه؛ از الزامات و بایسته‌های تکنولوژیکی؛ و تحول و برجستگی بیشتر این اقتضاء در دوران جدید و آینده، افزون بر بایسته در خور پیشین، به سمت الزامات و بایسته‌های انرژی پایه، و مبتنی بر همکاری‌ها در راستای کسب بیشترین انتفاع در زمینه انرژی دارد. پژوهش حاضر اما این وظیفه را دارد که به الزامات روابط دو کشور پس از تحریم‌ها و نیز پس از بحران سوریه بپردازد و سنجش نماید که کدامیک تأثیر بیشتر و عمیق‌تری بر روابط دو کشور گذاشتند و برپایه کدام تحلیل نظری.

بدلیل ذات زمان‌مند بودن دانش روابط بین‌الملل و توانایی گسترده آن در کاربست نظریه‌ها با رویدادهای دنیای پیرامون، علیرغم کنکاش میان مقالات پژوهشی، نوشتاری که در مورد روابط دو کشور ایران و روسیه پس از اعمال تحریم‌ها و خاصه پس از روابط فیما بین در پی بحران سوریه باشد یافت نگردید. و همانگونه که در ابتدای همین بخش آمده تنها می‌بایست به کاربست تئوری‌های دانش روابط بین‌الملل و بهره‌گیری از تحلیل‌های صاحب‌نظران به گونه یادداشت‌های روزانه و سرمقاله و نوشتارهای ژورنال و مسلماً تحلیل مستقل بعنوان یک پژوهشگر بپردازم تا بتوانم تحلیلی از چگونگی رابطه دو کشور در برهه یاد شده بپردازم.

بنابراین هدف نوشتار حاضر پرداختن به این مسأله است که در میانه‌ی دو بستر و فرصت تحریم‌های غرب علیه روسیه و نیز بستر الزامات همکاری‌ها در بحران سوریه، روابط خارجی دو کشور ایران و روسیه بیشتر متأثر از کدام بستر بوده است و چرا؟

در گام بعدی و طی پژوهشی مستقل و دیگری، می‌توان گام را فراتر نهاد و به مسأله علت بهره‌مندی از مسأله تحریم‌ها و گسترش روابط اقتصادی و در مقابل؛ اکتفا به بهره‌گیری از بحران سوریه جهت گسترش بی‌سابقه روابط راهبردی و نظامی در پی بحران سوریه پرداخت. امید است تا پژوهشگر حاضر و یا کوشنده دیگری خاصه با بهره‌گیری از مترجمان مسلط به زبان روسی، بتواند به این آسیب‌شناسی بپردازد.

---

۱. این مقاله توسط نگارنده مقاله حاضر و با همکاری دکتر رفیع، مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران و نیز امیردربار جعفری تهرانی، فرماندهی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی\* و جانشین کنونی فرماندهی نیروی دریایی ارتش، در زمستان ۱۳۹۰ در شماره ۳۵ فصلنامه علمی و پژوهشی «راهبرد دفاعی» به چاپ رسیده است.

### ۳) چارچوب نظری

همانگونه که از عنوان و سوال پژوهش فراروی بر می‌آید، در پی بررسی و تحلیل رابطه دو کشور ایران و روسیه پس از تحریم‌های غرب و نیز پس از بحران سوریه، بعنوان دو فرصت و بستر برای تغییر کمیت و کیفیت در روابط فیمابین هستیم. پُرپیداست که برای بررسی جوانب تحریم‌ها و پیامدهای آن به نظریات اقتصادی محور روابط بین‌الملل نیازمندیم چرا که تحریم اساساً ذاتی اقتصادی دارد، پس به نظریات رئالیزم و نیز نظریه‌های پیرامون مسأله تحریم‌ها که بر بنیاد مکتب واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی سازماندهی شده است و در جدال این نظریات با نظریات وابستگی متقابل لیبرالیستی، دستاویز خواهیم شد. همچنین برای پرداختن به مسأله بحران جنگ داخلی کشور سوریه و تلافی منافع و دیدگاه‌های دو کشور ایران و روسیه، نیازمند به نظریات استراتژیک محور مکتب رئالیزم هستیم.

بر این منوال؛ علاوه بر اینکه در بخش یافته‌های پژوهش، دو بخش مستقل برای پرداختن به هر دو بستر فضای پس از تحریم‌ها و شرایط پس از بحران سوریه با کاربست ابزار نظریه‌های روابط بین‌الملل خواهیم داشت؛ در بخش نتیجه‌گیری و هنگام به بوته آزمون گذاردن یافته‌ها و داده‌های پژوهش با فرضیه تحقیق مبنی بر عدم رشد روابط اقتصادی دو کشور (در شرایط پساتحریم) و رشد نسبی روابط سیاسی - استراتژیکی (پس از فراگیر شدن گرفتن بحران سوریه)، به مسأله قابل توجه برتری و اولویت منطق رئالیزم بر منطق لیبرالیستی وابستگی متقابل با نیت همکاری‌ها جهت رفع اثرات سوء تحریم‌ها، در روابط دو کشور ایران و روسیه دست خواهیم یافت.

### ۴) یافته‌های پژوهش

نخست در بخش ۴-۱ از یافته‌های پژوهش، به بررسی ابعاد تحریم‌های غرب علیه ایران و خاصه روسیه می‌پردازیم و سپس به تحلیل روابط دو کشور پس از این تحریم‌ها، با ابزار نظریه وابستگی متقابل در چارچوب پارادایم لیبرالیزم و نیز نظریات پیرامون تحریم‌ها در چارچوب پارادایم رئالیزم خواهیم پرداخت.

در بخش دوم یافته‌های پژوهش که با شمارگان ۲-۴ متمایز گردیده نیز، پس از بررسی روابط دو کشور ایران و روسیه پس از فرصت بحران جنگ داخلی سوریه، به بررسی تعمیق و گسترش بی‌سابقه این روابط بر پایه و با ابزار نظریه کارای رئالیزم می‌پردازیم و سپس در بخش نتیجه‌گیری، به قیاس و سنجش تاثیر این دو بستر و فرصت بر رابطه دو کشور خواهیم پرداخت.

#### ۴-۱) بررسی روابط ایران و روسیه پس از تحریم‌ها

با آغاز دوران جدید ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در سال ۱۳۹۱، تیرگی روابط روسیه و غرب بدنبال گسترش ناتو و طرح استقرار سپر موشکی ناتو در چک، لهستان، رومانی و ترکیه؛ با بحران اوکراین به اوج خود رسید. بدنبال بحران روسیه و غرب بر سر اوکراین، ایالات متحده در ششم مارس ۲۰۱۴ تحریم‌هایی را علیه برخی مقامات روسی اعمال کرد که سرعت توسط اتحادیه اروپا پیگیری شد و علاوه بر تحریم برخی نزدیکان پوتین و مسدود ساختن سرمایه‌های آنان، عضویت روسیه در گروه جی هشت<sup>۱</sup> به حالت تعلیق درآمد؛ کاهش قیمت انرژی در بازارهای جهانی، کاهش درصد بازار سهام، رشد منفی اقتصادی<sup>۲</sup>، افت شدید گردشگری، تشدید خروج سرمایه از روسیه شد که رقمی بالغ بر ۱۵۲ میلیارد دلار بود. بهای روبل در مقابل دلار آمریکا در بازه زمانی جولای تا دسامبر ۲۰۱۴ به بیش از نصف کاهش یافت به‌گونه‌ای که هر دلار آمریکا در اوایل ژانویه ۲۰۱۵ معادل ۶۳ روبل شد حال آنکه در زمان مشابه در سال ۲۰۱۴ نسبت آن یک به ۳۳ بوده است (Nelson, ۲۰۱۵: ۹-۱۵) همچنین روند ورود روسیه به سازمان همکاری و امنیت اروپا<sup>۳</sup> و معاملات دلاری با بانک روسیه متوقف شد.

1. G8

۲. پیش‌تر، پیش‌بینی‌های صورت گرفته توسط بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل و سازمان امنیت و همکاری اروپا حاکی از بهبود وضعیت شاخص رشد تولید ناخالص داخلی روسیه (GDP) در سال ۲۰۱۵ بود؛ اما تحریم‌های صورت گرفته و کاهش قیمت نفت این پیش‌بینی‌ها را با تردید مواجه کرده است (Knoema, ۲۰۱۴).

3. Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE)

این اقدام و کنش‌های بعد از آن، واکنش متقابل روسیه را برانگیخت و این کشور در بیستم مارس ده شهروند و مقام مسئول آمریکایی را تحریم کرد و ادامه این تحولات منجر به صدور دستور مقامات روسیه برای اعمال تحریم‌های متقابل پیرامون واردات کالا از کشورهای اروپایی در ۶ اوت ۲۰۱۴ شد. علاوه بر این، روسیه عبور پروازهای اوکراین، اتحادیه اروپا و ایالات متحده را از فراز حریم هوایی خود ممنوع کرد.

روسیه در چارچوب منطق بازدارندگی متقابل، ممنوعیت یکساله‌ای را برای واردات محصولات غذایی از ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا، استرالیا را اعلام کرد و در نتیجه آثار مخربی هم بر اقتصاد روسیه و هم بر اقتصاد کشورهای اتحادیه اروپا بر جای گذاشت. روسیه با آگاهی از میزان تأثیرگذاری این راهبرد دوره تحریم‌های کوتاه مدت یکساله را تمهید داشت.

محافل سیاسی و پژوهشی و صاحب‌نظران عرصه اجرایی، اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه را فرصتی مغتنم برای ارتقای روابط دو کشور ایران و روسیه می‌دانستند.

برای ایران، روسیه شریک اقتصادی خوبی است. چرا که ایران بعد از استراتژی مهار دوگانه، طرح «داماتو» و تحریم‌های اقتصادی، خود را از هر سو تحت فشار دید و به دنبال راهی بود که از طریق آن از انزوای کامل نجات یابد و در راستای بی‌اثر ساختن سیاست‌های تخاصمی آمریکا برای به انزواکشاندن ایران؛ روسیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و همسایه ایران بهترین انتخاب بود. در برابر؛ روسیه نیز در راستای بازسازی اقتصاد خود نیازمند درآمدهای مالی برآمده از فروش تکنولوژی، جنگ‌افزارهای نظامی و انرژی نفت و گاز خود است و همچنین در پی تقویت روابط با کنشگران مخالف نظام تک‌قطبی و یکجانبه‌گرایانه آمریکا از جمله ایران است. (جعفری و تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۶۲)

اولویت‌های اقتصادی روسیه در رابطه با ایران عبارتند از: رقابت برای دستیابی به بازار صادرات گاز ترکیه و جنوب شرقی اروپا، یافتن روزه‌هایی برای صادرات جهت گسترش حجم تولید نفت و گاز روسیه، مشارکت فعال تر با ایران با هدف اشاعه تجارت بلندمدت از آسیا به اروپا و ایجاد یک کریدور حمل و نقل برای رقابت با کانال سوئز، توسعه ظرفیتهای تولید نفت و گاز و همچنین میدان‌های گازی دریایی از جمله میدان پارس جنوبی در خلیج فارس برای از دست ندادن سهم بازار روسیه و دیگر تولیدکنندگان غیر اوپک و تضمین مشارکت شرکت‌های روسی در بخش بالادستی نفت و گاز ایران، نظارت بر اوپک برای پیشگیری از تأثیرات سوء بر صادرات نفت و گاز روسیه و حفظ ثبات قیمت‌ها، حمایت از بازار صادرات پرسود تسلیحات و تکنولوژی هسته‌ای، مشارکت با ایران برای افزایش سطح تجارت آسیای جنوبی با اروپا و ایجاد دالان‌های حمل و نقل ...9

اولویت‌ها و دغدغه‌های اقتصادی ایران نیز عبارتند از: کسب درآمد از ذخایر گاز طبیعی عظیم خود در حوزه پارس جنوبی و سایر حوزه‌ها و نیز افزایش ظرفیت تولید نفت صادراتی با وجود سهمیه‌بندی اوپک به گونه‌ای که عراق، روسیه و یا دیگر تولیدکنندگان غیر عضو اوپک سهم این کشور را از آن نربایند. انجام این کار تاکنون در مورد گاز طبیعی به دلیل اشباع کنونی بازارهای گاز در اروپا و آسیا و سازماندهی مجدد شرکت ملی نفت ایران<sup>۱</sup> برای این کشور دشوار بوده است. مقابله با هژمونی روسیه در آبهای سطحی و دستیابی به سهم بزرگتری از ذخایر نفت و گاز در این دریا، تبدیل شدن به مسیر ترانزیتی عمده، توسعه بازارهای صادرات گاز در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز؛ دستیابی به سهم بزرگتری از ذخایر نفت و گاز دریاچه مازندران. چرا که سه کشور جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان از منابع نفت دریاچه مازندران روزانه ۲/۷ میلیون بشکه برداشت می‌کنند، در حالی که سهم ایران از این منابع عدد صفر را نشان می‌دهد. (جعفری و تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۶۴)

روسیه بلحاظ داشتن موهبت‌ها و توانمندی‌های زیر قادر به خروج از تنگناهای پیش‌بینی شده غرب در تدبیرشان برای تحریم است: کشوری وسیع و عمق فضای حیاتی و جایگاه استراتژیک در خور، ثروت عظیم انرژی و دیگر منابع معدنی، گستره وسیع اوراسیا و قاره‌ای بودن آن، همگونی نسبی قومی، روحیه ملی روس‌ها، متمرکز بودن نهاد دولت در روسیه، درجه بالای شهری شدن، ثروت عظیم منابع معدنی، سطح بالای سواد و سرمایه انسانی توانمند و آموزش‌دیده، زمین‌های کشاورزی فراوان و خاک حاصلخیز چرنوزیوم، جنگل‌های فراوان و محصولات چوبی، زرادخانه تسلیحاتی، هسته‌ای عظیم و محصولات دامی.

در اقتصاد جهانی، ناکارآمدی یک کشور در جذب سرمایه و توسعه اقتصادی می‌تواند آهنگ توسعه اقتصادی سایر کشورها را نیز کند سازد. از پیامدهای بارز جهانی شدن درهم تنیده شدن منافع کشورها در یکدیگر است که این خود باعث محتاطانه‌تر عمل کردن آنها در اعمال تحریم شده است (تدینی کارزونی و توکلی، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۱۱). اختیار عمل دولتها باید به گونه‌ای محدود شود که کشورهایی که نظام حکومتی‌شان مکتبی و مبتنی بر اعتقادات اسلامی است و توهین به مقدسات اسلام ضرر حیاتی به نظام می‌زند (مانند مورد کاریکاتورهای رسانه‌های دانمارکی به ساحت مقدس پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)) و احساسات عموم مردم را بطور جدی خدشه‌دار می‌سازد و آنجا که برقراری ارتباط با یک کشور خاص با امنیت اعتقادی‌شان در تضاد باشد، بتوانند در صورت تشخیص، با آن کشور قطع رابطه کنند.

### تحلیل روابط پس از تحریم‌ها با ابزار نظریه‌ها: عدم بهره‌مندی ایران و روسیه از فرصت تحریم‌ها

درست است که بر مبنای نظریه لیبرالیسم، جنگ هم غیرعقلانی است و هم از رده خط‌مشی‌های اتخاذی دولتها خارج شده است ولیکن تحریم‌ها بویژه تحریم اقتصادی بطور عمده بر بنیاد مکتب واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی است. از دید رئالیست‌ها، روابط بین‌الملل از یک وضع خودسر شکل می‌گیرد. در چنین وضعیتی نهادی فراملی وجود ندارد که قادر به حفظ نظم و تدوین و اجرای قواعد باشد و خیر عامه را لحاظ کند؛ لذا هر کشوری سعی می‌کند بمنظور دستیابی به اهداف خویش هر چه بیشتر تلاش کنند، تا در دولتهای دیگر تأثیر گذارد. بنابراین، استفاده از هر گونه ابزار از جمله اقتصاد، واقعیتی از زندگی است و در این منظر، توجه چندان به جنبه‌های اخلاقی تحریم نمی‌شود. در اینجا تحریم اقتصادی جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک است و نیز علاوه بر اهداف معمول، استراتژی قهرآمیز و جایگزین جنگ لحاظ می‌شود. این استراتژی به منظور زمینه‌سازی تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور هدف یا حتی بعنوان مقدمه‌ای برای جنگ اعمال می‌شود (زهرانی، ۱۳۷۶: ۲۰). بر اساس اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تحریم اقتصادی ابزاری در خدمت سیاست خارجی کشورهاست، زیرا تجارت می‌تواند اهرمی برای تنبیه طرف مقابل باشد؛ بدون آن‌که از نیروی نظامی استفاده شود. بالدوین، هافبائر و اسکات هر سه جزو رئالیست‌هایی هستند که از پیشگامان نظریه‌پردازی پیرامون تحریم‌ها هستند. (Von Furstenberg ۱۹۹۱: ۶۹) بالدوین به سیاستگذاران توصیه می‌کند که از تحریم‌ها انتظارات زیادی نداشته باشند و به پیامدهای عدم انجام هیچ کاری توجه نکنند.

به باور «پی او کوئین» تحریم‌ها تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند. البته این تسلیحات نیز مانند تمامی جنگ افزارهای راهبردی دیگر باید با حداکثر احتیاط بکار گرفته شوند. در واقع؛ تحریم اقتصادی اهرمی است که کشور مخالف را به این نتیجه می‌رساند که هزینه تمکین در برابر خواست کشور تحریم کننده کمتر از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی علیه آن کشور است؛ بنابراین، نظریه‌های تحریم اقتصادی با قدرت اقتصادی کشورها، دارای رابطه مستقیم است. مفروض اصلی این نظریه‌ها این است که کشور تحت تحریم به‌ناچار از مواهب رفاه اقتصادی محروم می‌شود و در نتیجه به خواست کشور یا کشورهای تحریم‌کننده، تن می‌دهد (زهرانی، ۱۳۸۷، ۷-۵).

نکته دیگر درباره تحریم‌ها، آثار منفی آن بر شهروندان است. به گفته لوئیس کریسبرگ<sup>۱</sup> تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بعد از جنگ سرد، به حدی مخرب بوده‌اند که تلفات ناشی از آن بسیار بیشتر از کشته‌های سلاح‌های کشتار جمعی به کار گرفته شده در طول تاریخ است. به همین روی بجای تحریم‌های اجباری<sup>۲</sup> (با هدف اجبار دولتمردان هدف)، تحریم‌های با دستکاری<sup>۳</sup> یا به اصطلاح هوشمند مطرح شد (با هدف ایجاد شکاف میان دولتمردان و شهروندان و در نتیجه تحریک تهییج دولت هدف).

بدلیل اینکه در تحریم‌های هوشمند یا با دستکاری، شهروندان عادی مخاطب هستند و هدف، بیگانه ساختن آنها از رهبران، پس به تنهایی نمی‌تواند نتیجه مطلوب بدست دهد؛ در نتیجه مداخله همه جانبه در آن جامعه و بی‌ثبات‌سازی نیز بایسته است تا در نهایت جامعه خود ناگزیر به تغییر رهبری سیاسی شود. پس هدف بی‌ثبات‌سازی بیش از آنکه سیاست باشد، سیاسی است (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۴). دقیقاً همان نیت غرب و ایالات متحده آمریکا در مورد تحریم‌های علیه ایران (و روسیه) جهت وادار ساختن این دولت‌ها برای پای پس کشیدن از برنامه‌های هسته‌ای (و اشغال کریمه). لیکن این تحریم‌ها

1 . Louis Kreisberg  
2 . Coercive  
3 . Manipulative

مستقیماً بر مردم ایران مؤثر بودند چرا که تحریم نفت که تنها راه ارتزاق اصلی مردم است در واقع نتیجه‌ای جز تحت‌تنگنای معیشتی مردم را بدنبال نداشته است.

تحریم‌ها در سه صورت موفق هستند: نخست آنکه هزینه سنگین بر کشور تحریم شونده تحمیل نمایند؛ دوم آنکه فشار اقتصادی را به فشار سیاسی مؤثر تبدیل نماید و تغییرات مدنظر را در رفتارهای دولت تحریم شونده ایجاد نماید؛ سوم آنکه هزینه‌ای که بر اقتصاد کشور تحریم شونده تحمیل می‌نماید بمراتب بیشتر از هزینه آن برای کشور تحریم کننده باشد. پس به معنی داشتن تأثیر اقتصادی و ایجاد اعتبار سیاسی توأمان است (Oudraat; ۲۰۰۰:۱۲۱).

در صورت ناکارآمدی راهبرد تحریم، کشور تحریم‌کننده به ناچار از نیروی نظامی استفاده می‌کند. این در واقع خلاف منطق اصلی به‌کارگیری تحریم اقتصادی است؛ زیرا همان‌طوری که در تعریف اولیه از تحریم بیان شد، تحریم به‌منظور استفاده نکردن از نیروی نظامی در نظر گرفته می‌شود.

درباره ناکارآمدی تحریم‌ها از منظر اقتصاد سیاسی نیز عواملی را برشمردند (ولیزاده، ۱۳۹۰: ۳۵۹-۳۶۲: ۱) آنکه میان مدت زمان تحریم و موفقیت آن رابطه‌ای معکوس وجود دارد به این معنا که هر چقدر زمان اعمال تحریم کوتاه‌تر و اجرای موارد سریع‌تر باشد، تأثیر تحریم بیشتر خواهد بود. ۲) شرط دیگر کارایی یا عدم کارایی تحریم، حمایت یا عدم حمایت بین‌المللی و دیگر کشورها از اعمال تحریم و مشارکت دیگر کشورها در اجرای آن است. ۳) عامل دیگر ساختار سیاسی و تشکیلات حکومتی کشور تحریم شونده است؛ بدین معنا که اثرگذاری تحریم بر نظامهای غیردمکراتیک بسیار دشوارتر از تأثیرگذاری بر دموکراسی‌هاست؛ چرا که نظامهای غیردمکراتیک با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای در دسترس از تبدیل شدن مردم به عامل فشار جلوگیری می‌کنند و بویژه که اگر رژیم تحریم شونده از حمایت مردمی برخوردار باشد، تحریم خود تبدیل به عامل همبستگی ملی و حمایت بیشتر از دولت تبدیل می‌شود. همچنین میزان قدرت نقش اپوزیسیون سیاسی داخلی در کارایی تحریم‌ها بسیار مؤثر است. ۴) همچنین کارایی تحریم تا حد زیادی به ظرفیت و توانایی کشور تحریم شونده از جمله توانایی در بسیج اقتصاد برای تأمین نیازهای داخلی بستگی دارد. حتی ممکن است نه بصورت اقتصاد ملی که بصورت دژی برای حفاظت از رژیم و نخبگان حامی آن از طریق بازار سیاه و سودجویانه باشد. ۵) پیش‌نیاز دیگر کارآمدی تحریم اصل تناسب است بدین معنا که منافع حاصله از اعمال تحریم، بیش از زیان‌های ناشی از آن باشد یعنی متناسب با منفعتی بالاتر از آن باشد که بوسیله آن محدودیت، مورد حمایت قرار گیرد. (Chowdhury, ۱۹۹۸:۱۰۲) ۶) معمول‌ترین دلیل ناکامی تحریم‌ها وجود کشورها و روشهای جایگزین است. شرکای تجاری جایگزین می‌توانند تأثیر سیاسی داشته باشند که به مسأله ایجاد اعتبار و نفوذ کمک خواهند کرد.

برای تحلیل کارایی تحریم‌ها از نظریه بازدارندگی استفاده می‌شود، یعنی باید تحریم‌کننده، تحریم شونده را وادار به تغییر رفتار نماید. کارایی سیاسی تحریم‌ها نیز وابسته به کارایی اقتصادی آن دارد. به باور یک بخش از دیدگاهها، بدلیل نظریه‌های وابستگی متقابل، تحریم شونده با توجه به امکانات مختلف (همانند پارامترها و توانمندی‌هایی که برای روسیه برشمردیم)، می‌تواند خود را از تحریم برهاند پس تحریم‌ها فاقد کارایی هستند. خاصه آنکه همانگونه که آمد، برای آنکه تحریم‌ها مؤثر باشند باید دارای پشتیبانی جهانی و فاقد جایگزین‌های تجاری برای تحریم شونده باشد. در مورد ایران نیز با دفع راهبرد حمله غافلگیرانه مبنی بر اینکه دراز مدت شدن تحریم‌ها ولو با بدتر شدن وضعیت ریاضت معیشتی، (حتی با توجه به نود درصدی طبقه متوسط ایران که طبعاً زمینه سیاسی شدن دارند و حتی با وجود جوان بودن جامعه که بستر انتظارات فزاینده و ایجاد شکاف منحنی ل می‌رود) شهروندان تدریجاً با شرایط فقر و تورم و بیکاری و کمبودها خو گرفته، راهبرد حمله غافلگیرانه شکاف میان دولت و مردم اعمال نگردید. ضمن آنکه در این بازه زمانی طولانی مدت این کشور توانسته خود تجربه بالایی در دور زدن تحریم‌ها کسب کند و به طرق مختلف به وارد کردن سرمایه حاصل از فروش نفت و نیز تکنولوژی‌های نوین بپردازد. ضمن اینکه نقش جایگزین‌ها را نیز نباید از نظر دور داشت. همانند جایگزین چین در حمایت از ایران که خط قرمز را برای خود، تداوم همکاریهای سودآور خویش با ایران بوده است.

وابستگی متقابل<sup>۱</sup> بعنوان یکی از چهار رکن نظریه لیبرالیسم دانش روابط بین‌الملل<sup>۲</sup>، به نقش و تأثیر تجارت، ارتباطات و وابستگی دوطرفه در کاهش جنگ‌ها و ایجاد صلح می‌پردازد. در این راستا نظریات اقتصادی همگرایی<sup>۳</sup> که به نقش

1 . Interdependence

۲. در کنار صلح دمکراتیک، فراملی‌گرایی و نهادگرایی لیبرال

3 . Integration

تجارت در روابط بین‌الملل می‌پردازند، بر سود حاصل از همگرایی اقتصادی و تأثیرات رفاهی آن تأکید می‌کنند. از نظر لیبرال‌ها در سیستم بین‌المللی معاصر، بجای مسائل سیاسی و امنیتی، مسائل اقتصادی و رفاهی در اولویت سیاست‌هاست و ابزارهای مذاکره، چانه‌زنی، ارتباطات متقابل و همکاری جایگزین زور و خشونت و قدرت نظامی شده است.

از منظر اقتضائات واقع‌گرایانه، روسیه به دلیل توان بالای هسته‌ای و نظامی برای ایران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. با توجه به محدودیت ایران در تامین تسلیحات موردنیاز خود، روسیه بعنوان کشوری که دارای سلاح‌های با کیفیت بالاست، برای تهران حایز اهمیت است. (جعفری و تقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۶۲)

در پی تحریم‌های متقابل روسیه و غرب، روس‌ها با راهبرد نگاه به شرق، درصدد جایگزین کردن کسری واردات خود با تولیدات کشورهای غیرغربی برآمدند. به عبارت دیگر؛ علاوه بر در پیش گرفتن راهبرد توسعه‌ای استراتژی جایگزینی واردات (تأمین کالا در داخل)، تأمین کالاهای مورد نیاز خود از طریق کشورهای غیرغربی را بعنوان راهبرد برجسته برای مصون ماندن از پیامدهای سوء تحریم برگزید.

کشورهای آسیایی که از امکانات بیشتر و هزینه کمتری برای صادرات به روسیه برخوردار بودند، ایران و چین بودند. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی؛ کیفیت مطلوب و رقابتی‌تر بسیاری از کالاهای تولیدی و بویژه غذایی؛ برخورداری از امکانات لازم جهت صادرات محصولات مختلف ایرانی به روسیه و نیز برخورداری از امکان وسیع ترانزیت و زیرساخت‌های حمل و نقل کالاهای مورد نیاز فدراتیو روسیه از طریق دریاچه مازندران با هزینه‌ای کمتر به روسیه می‌توانست بلحاظ نظری جایگاه درخوری در دکتترین نگاه به شرق روسیه داشته باشد و در صورت داشتن برنامه‌های علمی و صحیح در سیاست خارجی خویش، بهره اقتصادی شایانی را از آن خود کند.

همچنین روس‌ها می‌توانند از تجارب ایران در دور زدن تحریم‌ها استفاده نمایند، لذا تحریم‌ها می‌توانست بعنوان بستری برای گسترش راهبردی روابط ایران و روسیه بشمار آیند. در واقع تحریم‌ها تهدیداتی هستند که می‌توانند با هوشمندی به فرصت‌هایی برای کسب منافع ملی دو کشور، برون‌رفت از فضای کنونی و حرکت به سمت چشم‌اندازهای جهان چندقطبی تبدیل شوند.

با مقایسه تحریم‌ها و نیز سیاست‌های غرب علیه ایران می‌توان به این واقعیت رسید که پس از حمله صدام به کویت، سریع‌ترین و قاطع‌ترین اجماعی که در جهان علیه کشوری اعمال گردید، تصمیم علیه ایران بوده است. هر چند که در مورد کویت، شورای امنیت به تفاهم برای حمله به عراق نرسید و حتی موفق به صدور قطعنامه‌ای علیه عراق نگردید و یا علیه بشار اسد در این بیش از چهار سال جز چند مورد در مورد حملات شیمیایی و ارسال کمک‌های انسان دوستانه به سوریه (مانند قطعنامه ۲۲۳۵ شورای امنیت یا قطعنامه ۲۱۳۹) هنوز اجازه تصویب قطعنامه‌ای علیه این دولت با وتوی روسیه و چین، داده نشده است. اما می‌دانیم که تا به امروز قطعنامه‌های شش‌گانه‌ای علیه ایران تصویب گردید<sup>۱</sup> که حتی روسیه و چین هم این قطعنامه‌ها را امضاء کردند.

همانگونه که در بخش بیان مسأله آمده است، از سال ۲۰۰۰ و پس از روی کار آمدن پوتین و سفر رئیس‌جمهور وقت ایران به مسکو و انعقاد قرارداد همکاری‌های ده ساله میان دو کشور، روابط فیما بین بطرز چشمگیری گسترش یافت بطوری که در سال ۲۰۰۵ روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). در مقابل اما در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲، بیشترین میزان واردات از روسیه در سال ۱۳۹۱ با رقمی معادل ۱/۶۳۱/۱۰۷/۳۶۳ دلار و کمترین میزان مربوط به سال ۱۳۸۹ با رقمی معادل ۴۳۲/۹۰۰/۶۰۲ دلار بوده است یعنی برخلاف واردات، روند صادرات ایران به روسیه نوسان چندانی نداشته است و ایران طرفی از این میان نبسته است. کمترین میزان صادرات در سال ۱۳۸۲ با رقمی معادل ۹۴/۶۵۶/۰۱۶ دلار و بیشترین میزان صادرات در سال ۱۳۹۱ با رقم ۵۰۷۳۷۳/۹۷۱ دلار صورت گرفته است. نکته قابل توجه اینکه در سال ۱۳۹۱ شاهد بیشترین میزان صادرات و واردات میان ایران و روسیه بوده‌ایم (اتاق بازرگانی تهران، ۱۳۹۳).

۱. قطعنامه ۱۶۹۶ (۳۱ جولای ۲۰۰۶) با ۱۴ رأی موافق و ۱ رأی مخالف قطر؛ قطعنامه ۱۷۳۷ (۲۳ دسامبر ۲۰۰۶) با ۱۵ رأی موافق که آغاز اولین دور تحریم‌ها در این قطعنامه بود؛ قطعنامه ۱۷۴۷ (۲۴ مارچ ۲۰۰۷) با ۱۵ رأی موافق؛ قطعنامه ۱۸۰۳ (۳ مارچ ۲۰۰۸) با ۱۴ رأی موافق و ۱ رأی ممتنع اندونزی؛ قطعنامه ۱۸۳۵ (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸) با ۱۵ رأی موافق؛ قطعنامه ۱۹۲۹ (۹ ژوئن ۲۰۱۰) با ۱۲ رأی موافق و ۲ رأی مخالف برزیل و ترکیه و ۱ رأی ممتنع لبنان؛ و قطعنامه‌های تمدیدی سالانه ۱۹۸۴ سال ۲۰۱۱، ۲۰۴۹ سال ۲۰۱۲، ۲۱۰۵ سال ۲۰۱۳ و نهایتاً قطعنامه ۲۱۵۹ سال ۲۰۱۴.

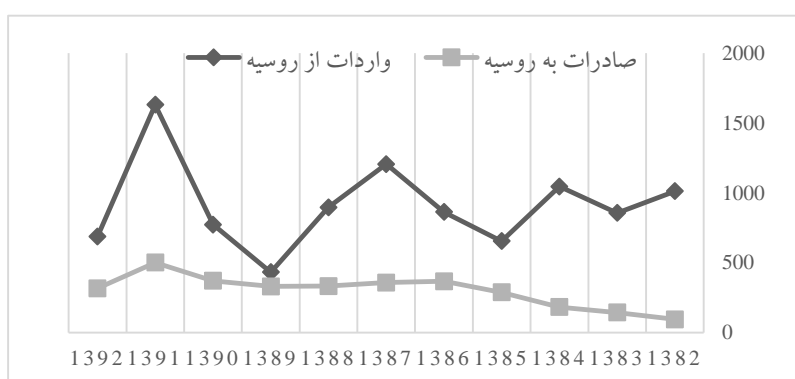


براساس آمارهای گمرک، حجم تجارت میان ایران و روسیه در سال ۱۳۹۲ رقمی بیش از یک میلیارد دلار بوده است و این یعنی ۱/۲۵ درصد از کل تجارت خارجی ایران. سال ۱۳۹۳ صادرات ایران به روسیه سیصدوشانزده میلیون دلار بوده و این کشور در رتبه‌بندی صادراتی ایران حائز رتبه سیزدهم بوده است.

واردات کشورمان از روسیه نیز در سال گذشته هفتصدوپنجاه‌وهشت میلیون دلار بوده که از این منظر روسیه یازدهمین کشور صادرکننده محصولات به ایران تلقی می‌شود. در مقایسه با تجارت خارجی حدوداً هشتصدوپنجاه میلیارد دلاری روسیه، مبادلات تجاری دوجانبه با ایران حدود ۱/۰ (یک دهم) درصد از کل تجارت خارجی این کشور را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ حجم تجارت دو کشور به میزان بسیار ناچیز حدود ۳/۵ میلیارد دلار، و پس از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، در سال ۲۰۱۵ به ۱/۲ میلیارد دلار کاهش یافته است که طی پیش‌بینی فضای پس از تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵ صحبت از معاملات تا حجم ۴۰ میلیارد دلار نیز می‌گردد (ترین، ۲۰۱۶).

همانگونه که در نمودار میزان صادرات و واردات دو کشور در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲ مشخص است، روند "صادرات" محصولات ایران به روسیه نسبتاً ثابت بوده، اما "واردات" ایران از روسیه دارای نوساناتی بوده است:

#### نمودار مبادلات تجاری ایرانی و روسیه ۱۳۸۲-۱۳۹۲ (میلیون دلار)



مأخذ: اتاق بازرگانی تهران، ۱۳۹۳

به گفته سرگئی مرکولوف<sup>۱</sup> - رئیس دفتر بازرگانی روسیه - یادداشت تفاهم با هجده شرکت ایرانی برای صادرات آذربایان، چهار شرکت برای صادرات گوشت و دو شرکت برای صادرات فرآورده‌های لبنی به روسیه امضا شده است (IRNA, ۲۰۱۵). اما همه این تفاهمات تاکنون در همه موارد منجر به انعقاد قرارداد و کسب عواید اقتصادی نشده و به بیان واضح‌تر؛ عواید اقتصادی پیش‌بینی شده در سبد جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفته است. شاهد این امر نیز عدم تحقق و عملیاتی شدن توافقات اقتصادی صورت گرفته است. توافق خیره‌کننده هفتاد میلیارد یورویی میان دو کشور در حد بیان کلیات بوده و تاکنون اقدامات جدی عملی در جهت اجرای آن رخ نداده است؛ همچنین تغییر چندانی در حجم مبادلات تجاری میان دو کشور مشاهده نمی‌شود. این در حالی است که در همین مدت روس‌ها قراردادهایی را با کشورهای آمریکای لاتین به‌ویژه برزیل جهت تأمین گوشت مورد نیاز خود منعقد و عملیاتی کرده‌اند. همچنین شاهد افزایش حجم صادرات ترکیه به فدراسیون روسیه بوده‌ایم.

ناکارآمدی وابستگی متقابل اقتصادی در سه دهه اخیر در روابط تهران و مسکو، روابط دو کشور را بارها دستخوش تغییر و تحول نموده است. برخی اقدامات می‌تواند با افزایش روابط اقتصادی تهران و مسکو، وابستگی متقابل اقتصادی را به عنوان زیربنای روابط سیاسی و امنیتی نیز تقویت نماید. عملیاتی‌سازی کریدور شمال - جنوب، ایجاد پل هوایی برای انتقال سریع محصولات غذایی و کشاورزی، تمهید زیرساخت‌های نرم‌افزاری، قانونی و مقرراتی، و فعالسازی مناطق آزاد تجاری مانند منطقه آزاد ارس و انزلی بسیار مؤثر خواهد بود. مهمترین حوزه‌ای که از برداشته شدن تحریم‌ها و شرایط پسا برجام اثر می‌پذیرد، موضوعات بانکی و پولی هستند که مانع بزرگ روابط تهران و مسکو در شش سال گذشته بوده‌اند. به نظر می‌رسد که روابط اقتصادی تهران و مسکو منتظر آخرین میخ بر تابوت تحریم‌هاست تا به رشدی در خور واقعیت روابط دو دولت برسد (کریمی؛ ۱۳۹۴). علت اصلی رشد ناچیز روابط اقتصادی دو کشور علیرغم تحرکات دیپلماتیک گسترده، به

1. Sergei Merkulov

ساختار شدیداً محدود کننده تحریم‌های بانکی مربوط می‌شد که امکان دور زدن آن به سادگی از سوی بانک‌های بزرگ روسیه وجود نداشته است. به تحلیل یلنا سوپونینا کارشناس موسسه روسی مطالعات استراتژیک<sup>۱</sup> لغو تحریم‌ها علیه ایران، نه تنها امکان همکاری با این کشور را آسان‌تر می‌کند، بلکه چالش‌هایی را در پی رقابت‌های شدید به دنبال خواهد داشت چرا که اساساً تجارت تنها چیزی نیست که مسکو و تهران قصد دارند در روابط خود تحکیم نمایند؛ مهم‌تر از همه، استقرار و راه‌اندازی پروژه‌های مشترک است که اولویت دارد (سوپونینا، ۲۰۱۵).

## ۴-۲) تحلیل روابط ایران و روسیه پس از بحران سوریه

در بخش پیشین به بیان اولویت‌ها و دغدغه‌های اقتصادی هر یک از طرفین ایران و روسیه جهت رابطه با هم به ریز آورده شد. امتناع از قبول سلطه جهانی امریکا در قلب آموزه سیاست خارجی رسمی مسکو و تهران بشمار می‌رود. در اینجا اما اولویت‌های سیاسی مشترک روسیه و ایران را می‌توان جلب توافق برای تحکیم (تعیین) مرزها در دریاچه مازندران، زمینه‌های مشترک همکاری بین‌المللی مانند مخالفت با نظام تک‌قطبی و هژمونی آمریکا و یکجانبه‌گرایی این کشور؛ جلوگیری از گسترش ناتو به شرق؛ مقابله با گسترش نفوذ ایالات متحده را در منطقه و در میان کشورهای متحد روسیه و نیز بستر بسیار گسترده همکاری در بحران سوریه و مقابله با تهدید مشترک جهانی گروه موسوم به داعش برشمرد.

روسها که پس از استراحت ۲۵ ساله، در پی نفوذ از دست رفته اتحاد جماهیر شوروی در منطقه خاورمیانه هستند، در عرصه کشور سوریه منافع قابل توجهی دارد. سوریه نزدیک‌ترین متحد روسیه در میان کشورهای عربی در چهار دهه گذشته از جمله در دوران جنگ سرد است. همچنین یکی از مشتریان تسلیحات روسی است به طوری که در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ بیش از چهار میلیارد دلار از این کشور سلاح خریداری کرده است. همچنین شرکت‌های روسی حدود بیست میلیارد دلار در سوریه سرمایه‌گذاری کرده‌اند که با سقوط اسد زیان جدی می‌بینند. همچنین، سوریه تنها کشور در خارج از منطقه شوروی است که روس‌ها در آن پایگاه نظامی دارند.

برخلاف دیدگاه‌هایی که روسیه را فاقد توانمندی و منابع لازم در شرایط تحریم برای حضور فعالانه در منطقه خاورمیانه می‌دانند، لیکن یک سال گذشته نشان داد که توانایی بسیاری برای اتخاذ اقدامات غیرمنتظره در خاورمیانه دارا است. رویکرد روسیه به بحران سوریه تا حد بسیاری متأثر از تجربه تلخ آن کشور از مداخله ناتو در لیبی است. بخشی از صاحب‌نظران روسی بر این باورند که سیاست غیرمسئولانه در خاورمیانه و شمال آفریقا، می‌تواند منجر به یک برخورد نظامی شود. تعدادی از مقامات روسیه اظهار کرده‌اند که روسیه دخالت قدرت‌های خارجی را در امور سوریه تحمل نمی‌کند و مانع از دخالت سازمان ملل و یا سازمان‌های دیگر در سوریه به شکل سناریوی مشابه لیبی خواهد شد (تقفی عامری، ۱۳۹۰: ۴-۲).

سوریه برای ایران نیز افزون بر وجود اشتراکات مذهبی، یک شریک قدیمی، تنها پشتیبان عرب ایرانیان در جنگ هشت‌ساله با رژیم بعث عراق و عضو کلیدی محور مقاومت به حساب می‌آید. سقوط ساختار فعلی در سوریه وضعیت محور مقاومت را به شرایط نامعلومی احاله خواهد کرد.

سطح گفتگوهای مسکو و تهران در این دوره در تاریخ روسیه جدید بی‌سابقه بوده است. پوتین و روحانی طی بازه زمانی یکساله شهریور ۱۳۹۲ تا مهر ۱۳۹۳ چهار نوبت با یکدیگر ملاقات کرده‌اند و نشست‌هایی در سطح وزیران دو کشور تقریباً هر ماه انجام شده است. در نشست سه جانبه اوت ۲۰۱۶ در باکو رؤسای جمهور ایران، روسیه و آذربایجان (حسن روحانی، ولادیمیر پوتین و الهام علی اف) اظهار داشتند که آنها از هیچ تلاشی برای ایجاد یک کریدور حمل و نقل راه‌آهن ۷۲۰۰ کیلومتری که سه کشور را بهم متصل خواهد شد کرد دریغ نمی‌ورزند (ترین، ۲۰۱۶). بر این اساس پوتین حداکثر تلاش خود را در چارچوب اوراسیاگرایی جدید<sup>۲</sup>، برای تقویت نفوذ در مرزهای جنوبی خویش خواهد کرد و همکاری نزدیک تری با حکومت ضدغربی ایران و نیز جمهوری آذربایجان که علیرغم حمایت از مناقشه قره باغ به نفع ارمنستان، اخیراً بدلیل انتقاد غرب از نظام بسته علی اف به سمت روسیه متمایل شده، خواهد داشت (آقایف، ۲۰۱۶). سیاست‌های ایران، روسیه و چین در تقابل با برنامه‌ریزی‌های غرب است و با رأی منفی و «وتو» قطعنامه‌های غرب در شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط روسیه و چین، نمایانگر نوعی جبهه‌گیری راهبردی در قضیه سوریه است.

1 . The Russian Institute for Strategic Studies (RISS) / Российский институт стратегических исследований (РИСИ)

2 . New Eurasianism

علاوه بر همکاری فیمابین پیرامون مبارزه با مواد مخدر و تروریسم و افراط‌گرایی سلفی، محور برجسته همکاری‌های نظامی دو کشور دارای دیرینه و پیشینه بسیاری است.

در حوزه همکاری‌های نظامی؛ ایران (پس از هند و چین) سومین واردکننده جنگ‌افزارهای نظامی روسی است. حتی انعقاد قرارداد ال‌گور - چرنومردین در ۱۹۹۵ برای محدود کردن انتقال سلاح و سامانه‌های نظامی به ایران نتوانست مانع توسعه روابط دو کشور در این عرصه شود. برای رهبران روسیه، معاملات تسلیحاتی با ایران مزایای اقتصادی - سیاسی ویژه‌ای داشته و به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نبوده است (کولایی، ۱۳۹۳: ۴۲۶-۴۲۷).

در همین راستا توافقنامه‌ای برای گسترش همکاری‌های نظامی میان دو کشور در تهران به امضا رسیده است. در جریان سفر سرگئی شویگو<sup>۱</sup> - وزیر دفاع روسیه - به ایران، در دی‌ماه ۱۳۹۳، توافقاتی پیرامون انجام عملیات ضدتروریستی، مبادله افسران جهت آموزش و گسترش همکاری‌های دریایی میان طرفین انجام شده است.

در این حوزه البته مسئله عدم تحویل سامانه دفاع موشکی S۳۰۰، نقطه تیره‌ای در روابط نظامی - تسلیحاتی دو کشور محسوب می‌شود. قرارداد خرید این سامانه در سال ۲۰۰۷ منعقد شد، اما دیمیتری مدودف<sup>۲</sup> رئیس‌جمهور وقت روسیه در سال ۲۰۱۰ به بهانه اجرای قطعنامه تحریمی شورای امنیت، این قرارداد را به‌طور یک‌جانبه فسخ و از تحویل سامانه مذکور به ایران خودداری کرد. پس از طرح شکایت جمهوری اسلامی ایران از شرکت طرف قرارداد در دادگاه داوری بین‌المللی<sup>۳</sup>، این شرکت به پرداخت چهار میلیارد دلار محکوم شد.

در ماه‌های پیش، پس از دستور پوتین مبنی بر لغو ممنوعیت فروش سامانه S۳۰۰ به ایران در اواخر فروردین ۱۳۹۴، سایت «دبک‌فایل» وابسته به وزارت جنگ رژیم صهیونیستی به نقل از منابع اطلاعاتی و نظامی خود، حتی مدعی استقرار سامانه پیشرفته‌تر S۴۰۰ در غرب ایران برای شرکت در جنگ سوریه شده است (Debka File, ۲۰۱۵).

به اقرار مقاله واشنگتن‌پست (۱۹ آوریل ۲۰۱۵) «هنوز جوهر چهارچوب توافق‌نامه هسته‌ای خشک نشده است که هفته گذشته روسیه اعلام کرد موشک‌های پیچیده دفاع هوایی را به ایران خواهد فرستاد.» (میرسکی، ۱۳۹۴)

محور دیگر همکاری‌های میان دو کشور، حوزه انرژی هسته‌ای و ساخت نیروگاه بوشهر است که نماد موفقیت کشور در توسعه علوم و فناوری‌های نوین به حساب می‌آید. علی‌رغم همه دشواری‌ها، در سال ۲۰۱۳ اولین نیروگاه اتمی ایران با تمام توان کار خود را آغاز کرد و به شبکه ملی برق ایران متصل گردید و هم‌اینک نیروگاه اتمی بوشهر ۸۰۰ مگاوات انرژی برق در ظرفیت طراحی شده ۱۰۰۰ مگاوات تولید می‌کند (اسپوتنیک فارسی، ۲۰۱۵).

روسیه و ایران در ماه نوامبر سال ۲۰۱۴، بسته اسنادِ احداث هشت واحد اتمی شامل دو واحد در نیروگاه بوشهر و چهار واحد در سایر نقاطی که مشخص خواهد شد، به امضا رساندند و براساس گفته رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان، این نیروگاه‌ها در راستای تحقق بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای تأسیس می‌شوند. سفیر روسیه در تهران پیرامون اجرای توافقات اظهار داشته است که کارشناسان روسی از ژانویه ۲۰۱۵ مکان‌یابی نیروگاه‌های جدید را آغاز و از پاییز ۲۰۱۵ کار ساخت آنها آغاز خواهد شد (فارس، ۱۳۹۳).

در حوزه هوافضا نیز در می ۲۰۱۴ قراردادی میان آژانس فضایی روسیه (روسکاسموس)<sup>۴</sup> و سازمان همتای ایرانی‌اش منعقد شد که بر گسترش همکاری‌های دوجانبه در کاوش‌های فضایی تأکید داشت. آموزش نیروهای ایرانی در روسیه، ساخت ماهواره‌های مخابراتی و پایش از راه دور برای جمهوری اسلامی بعنوان بخشی از مفاد این قرارداد ذکر شده است (Russia Today, ۲۰۱۴-D).

به هر روی این همکاری نزدیک و بی‌سابقه دو کشور از مهمترین دستاوردهای ایران از فضای فعلی سیاست بین‌الملل بشمار می‌رود و به تقویت جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران کمک شایانی کرده است.

در پنج سال بحران جنگ داخلی سوریه، همکاری نظامی میان ایران و روسیه برای مقابله با تروریسم به انواع گوناگونی در جریان بوده است و در یک دوره همکاری‌های اطلاعاتی و میدانی بوده و در دوره دیگری ارسال موشک از منطقه مشترک

1. Sergei Shoigu

2. Dimitry Medvedev

3. International Court of Justice

4. The Russian Federal Space Agency (ROSCOSMOS)

دو کشور در دریاچه مازندران و در مقطعی دیگر استفاده از پایگاه هوایی نوژه برای سوخت‌رسانی هواپیماهای روسی انجام شده است.

از نظر ایران بقای رژیم اسد در سوریه بمنظور حفظ جایگاه ایران بعنوان یک قدرت حیاتی ضروری است. به همین روی، این مهم به هزینه شکست تابوی تعصبات پس از ۳۷ سال جهت واگذاری موقت پایگاهی به روسیه برای سرکوب مخالفان رژیم اسد تن در داد. ایران و جنبش حزب‌الله به حمایت از دولت دمشق توسط نیروهای نظامی و کمکهای مالی می‌پردازند و روسیه نیز با اقدامات نظامی خود از سپتامبر ۲۰۱۵ و نیز ارائه اطلاعات، سلاح، تجهیزات نظامی و حمایت دیپلماتیک مشغول است.

حضور نظامی روسیه در خاک ایران برای نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی؛ و با عنایت به متن صریح قانون اساسی کشور (ماده ۱۴۶) جهت منع استفاده بیگانگان از خاک خود برای اهداف نظامی، حایز اهمیت شایانی است و نمایشگر استیلای عمل‌گرایی در برابر ایدئولوژی در منظومه فکری حاکمان تهران و نیز بیانگر اجماع در نخبگان سیاسی ایران بر این واقعیت که بقای رژیم سوریه برای حفظ جایگاه ایران بعنوان یک قدرت منطقه‌ای ضروری است. در همین چارچوب، هواپیماهای روسی اجازه سوخت‌گیری مجدد و سرویس در پایگاه هوایی شهید نوژه را یافتند.

این نخستین‌باری است که نیروی هوایی روسیه از زمان استقرار نیروهایش در سوریه برای حمایت از بشار اسد از یک کشور ثالث، اهدافی را در سوریه مورد اصابت قرار می‌دهد. توضیح فنی برای این اقدام این است که پایگاه هوایی حمیمیم در شرق لاذقیه فضای کافی برای جای دادن بمب‌افکن‌های TU-۲۲ را ندارد.

دبک‌فایل در ادامه ادعای خود آورد: ساخت‌وساز در پایگاه هوایی نوژه از هفته دوم ژوئیه آغاز گردید و گروه‌های مهندسی مشترک ایران و روسیه باندهای پرواز کنونی در این پایگاه را برای استقرار بمب‌افکن‌های بزرگ و سنگین توپولف TU-۲۲M۳ و جنگنده‌های سوخو ۳۴ توسعه دادند. آنها همچنین کارگاه‌هایی را برای نیروهای هوایی و زمینی روسیه برگزار کرده‌اند. بنا به ادعای این سایت، توافق نظامی تهران و مسکو همچنین شامل موارد زیر بود: پرواز آزاد جت‌های روسیه در تمامی حریم هوایی ایران، اجازه روسیه برای عملیاتی کردن UAVهای (نوعی از هواپیماهای بدون سرنشین) دوربرد از پایگاه هوایی نوژه و مجوز پرتاب موشک‌های کروز روسیه از طریق حریم هوایی ایران (۲۰۱۵، Debka File).

سیاست حضور نظامی روسیه در ایران در زمان مناسبی اتخاذ شده بود، زیرا آمریکا در فضای ماقبل انتخابات بود، اروپا درگیر مشکلات داخلی خود است، ترکیه با بی‌اعتمادی به غرب پس از کودتای کشورش روند بهبود روابط با مسکو را آغاز کرده، کشورهای عربی نیز بدون کمک غرب نمی‌توانند مشکلی ایجاد کنند، رژیم صهیونیستی و مصر نیز در شرایطی که بدنبال توسعه روابط با مسکو هستند، اعتراضی نخواهند کرد (کوزانوف، ۱۳۹۵). پس از هدف قرار دادن بمب‌افکن‌های روسی توسط ترکیه در نوامبر ۲۰۱۵ و وخامت روابط این دو کشور و تیرگی آن به مدت هفت ماه، تنها پس از عذرخواهی رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه از پوتین بود که از وخامت روابط کاسته شد و منجر به بهبودی روابط بویژه پس از دیدار روسای جمهور دو کشور در اوت ۲۰۱۶ در سن پترزبورگ گردید و حتی صحبت از محور ایرانی- روسی- ترکی برای حل بحران سوریه می‌شود.

به اذعان هیستین (دستیار ویژه مدیر موسسه مطالعات امنیت ملی در اسرائیل) و میچلین شاپیر (کارشناس موسسه مطالعات امنیت ملی در اسرائیل)، همکاری ایران و روسیه آنچنان که در بسیاری از حوزه‌ها مشاهده می‌شود نزدیک نیست و این روابط حتی در مسائلی که تصور می‌شود همکاری وجود دارد، دچار محدودیت‌هایی است و ضعیف‌تر از آن است که تصور می‌شود. از جمله اینکه روسیه مشخص کرده که «پیوندی ناگسستنی» با بشار اسد ندارد. در مقابل ایران تأکید ویژه‌ای بر حضور بشار اسد دارد. همچنین با وجود همکاری‌های هسته‌ای میان دو کشور، روسیه مخالف دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای است. علاوه بر مسائل سیاسی در زمینه‌های اقتصادی هم میان دو کشور رقابت‌های مستقیمی وجود دارد (نشنال اینترست، ۲۰۱۶).

همچنین باید اذعان داشت که ماهیت همه فعالیت‌های امنیتی و نظامی، معمولاً اینگونه فعالیت‌ها محرمانه می‌ماند اما متأسفانه این موضوع به وسیله یک سایت خبری روسی افشا شد و وزیر دفاع ایران در یک برنامه تلویزیونی، خبری و رسانه‌ای شدن این همکاری از سوی روس‌ها را ناشی از «خودنمایی» و «بی‌معرفتی روس‌ها» دانست. هر چند که این تصمیم دولتمردان تهران، واکنش‌های مختلفی را در جامعه و رسانه‌های داخلی (مانند شرق و آفتاب یزد) و نیز شبکه‌های مجازی زبان فارسی در پی داشت؛ لیکن همکاری محدود و موقتی با روسیه در راستای منافع مشترک دو کشور در خاورمیانه

و مبارزه با تروریسم، و بر پایه توافق (نه قرارداد) موقت میان ایران، روسیه، سوریه و عراق و بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی در یک موضوعی که مربوط به دفاع از منافع کشور است صورت گرفته است. ضمن آنکه بر پایه خود قانون اساسی، مرجع تشخیص همکاری در چنین موضوعاتی شورای عالی امنیت ملی است. استفاده از پایگاه نوژه همدان توسط روسیه، جدای از بهره‌گیری طی عملیات نظامی در حلب سوریه، توسط دو طرف ایران و روسیه در راستای تقویت همکاری این دو کشور تعبیر می‌شود و موفق گردید تأثیرات روانی زیادی را در منطقه به نفع منافع ملی ما داشته باشد.

### تحلیل روابط پس از بحران سوریه با ابزار نظریه‌ها: گسترش روابط راهبردی ایران و روسیه

در رابطه ایران و روسیه، و بر پایه نظریه رئالیسم، همچنان سیاست حاد<sup>۱</sup> و مسایل نظامی و امنیتی و راهبردی وجه غالب و حاکم است و کمترین سطح سیاست ملایم<sup>۲</sup> و رابطه در وجوه و چهرگان اقتصادی و زیست محیطی و فرهنگی را داشتیم. والتز در سال ۲۰۰۰ از منظر رهیافت رئالیستی در مقاله‌ای تلاش کرد تا بگوید همچنان رئالیسم ساختاری و موازنه قدرت از شایستگی بیشتری در مقایسه با سایر نظریه‌ها و مفاهیم برای تحلیل شرایط موجود در سطح بین‌الملل برخوردار است. فرض والتز این است که رفتارهای یک‌جانبه آمریکا کشورهایمانند روسیه، چین و بالطبع ایران را به سمت همکاری با یکدیگر سوق می‌دهد. در این دوره به رغم سروصدهای زیاد روسیه و چین، هنوز هیچ تلاشی که حاکی از تمایل جدی دو کشور برای ایجاد یک بلوک متقابل باشد، مشاهده نمی‌شود. روسیه و چین حتی در برابر اینکه سازمان شانگهای به عنوان وزنه‌ای در مقابل ناتو تلقی شود، مقاومت می‌کند.

استفن والت<sup>۳</sup> (بهمراه پائول و رابرت پیپ) به منظور تطبیق بیشتر نظریه رئالیسم با شرایط موجود جهانی تلاش کردند تا تعریف وسیع‌تری از مفهوم موازنه قدرت ارائه کنند. این نظریه‌پردازان از طریق بازسازی مفهوم موازنه و تبدیل آن از موازنه سخت به موازنه نرم تلاش می‌کنند تا بگویند چگونه با وجود برتری بی‌چون و چرای آمریکا در جهان، هنوز تلاش برای ایجاد موازنه در چارچوب مفهوم موازنه نرم می‌تواند معنا و مفهوم داشته باشد. والت دلایل مختلفی را برای تأیید ادعای خود ارائه می‌کند، اما آنچه که به موضوع روسیه و روابط این کشور با ایران مربوط می‌شود این است که به اعتقاد والت علاقمندی روسیه به همکاری با ایران در کنار کوشش‌های دیگری همچون همکاری‌های استراتژیک روسیه و چین بخشی از تلاش‌های هر سه کشور برای ایجاد موازنه نرم در برابر قدرت فراگیر آمریکاست. (شوری، ۱۳۸۸؛ نک: [www.csr.ir](http://www.csr.ir)) در استدلالی از بروکز و آرنولد وولفرز<sup>۴</sup> در مقاله‌ای با نقد مفهوم موازنه نرم آمده که چرا همکاری‌ها میان ایران و روسیه را نباید بر خلاف دیدگاه رئالیستی به حساب تلاش برای ایجاد موازنه گذاشت. به گفته ایشان روسیه دلایل زیادی، جدای از ایجاد موازنه در برابر آمریکا، برای برقراری روابط خوب با ایران دارد. این دلایل از نظر بروکز و وولفرز عمدتاً از طریق دو مفهوم منافع اقتصادی و امنیت منطقه‌ای توضیح داده می‌شود. نقد ایشان به مفهوم موازنه نرم نیز با وجود اینکه در کل تأمل برانگیز و مستند به شواهد تاریخی است، اما استدلال‌های متقابلی که این دو در مورد روابط ایران و روسیه مطرح می‌کنند نیز قابل استناد به تمامی ابعاد روابط دو کشور نیست. مفاهیم «منافع اقتصادی» و «امنیت منطقه‌ای» نیز به همان اندازه مفهوم موازنه نرم می‌تواند بر مبنای شواهد تاریخی مورد چالش قرار بگیرد.

نزدیکی روابط ایران و روسیه، واکنش به تنش‌ها و بی‌ثباتی‌های عرصه بین‌المللی است و شرایط فورس ماژور و افزایش تهدیدها و چالش‌های جهانی که غرب در پس آن قرار دارد، سبب هل دادن دو کشور به آغوش یکدیگر شده است. به همین دلیل است که غرب با بیم از تقویت رابطه نظامی محور روسیه و ایران، تمام تلاش خود را برای مخدوش کردن این روابط به کار می‌بندد (نبرنچین، ۲۰۱۶).

اگر تحلیل خلبنیکوف را مبنی بر تأمین امنیت برای ایران و کاهش بیم حمله نظامی علیه ایران را بعنوان مزایای حضور نظامی نپذیریم، اما دیدگاه او و نیز دیدگاه ایواخنیک، رئیس بخش تحلیل سیاسی از مرکز فن آوری‌های سیاسی، بر اینکه نفس این همکاری نشان از ارتقاء سطح همکاری‌های تهران و مسکو و گسترش دامنه امکانات مسکو به انجام اقدامات

1. high politics
2. low politics
3. Stephen Walt
4. Arnold Wolferz

نظامی در خاورمیانه دارد، پذیرفتنی است (خلبنیکوف، ۲۰۱۶) و (ایواخنیک، ۲۰۱۶). حتی استفاده کوتاه مدت یک هفته‌ای اوت ۲۰۱۶ در پایگاه روابط روسیه و ایران وارد مرحله اساسی جدیدی شد (ترین، ۲۰۱۶).

البته نباید از فراموش کرد که روسیه حاضر به قبول یک مصالحه بین نیروهای متخاصم سوریه و بازیکنان کلیدی است (البته به استثنای داعش، القاعده) یعنی ابقای کلیت سوریه برای خود (همانند موافقت‌نامه سپتامبر ۲۰۱۶ روسیه و آمریکا) ولی برای ایران ابقای رژیم علوی بشار اسد و تنها یک پیروزی نظامی در سوریه ضروری است.

برخلاف والتز و سایر رئالیست‌ها، به باور جان میرشایمر<sup>۱</sup> رفتار ایران در قبال روسیه، با توجه به اینکه در فضای گسترش هژمونی منطقه‌ای این کشور قرار دارد، علی‌القاعده باید با یکی از دو گزینه استراتژیک «دنباله‌روی» و یا «ایجاد موازنه» توضیح داده شود. در این تعریف، ایران یا نقش دنباله‌رو روسیه را ایفا می‌کند و یا اینکه باید از طریق برقراری پیوندهای استراتژیک با یک قدرت موازنه‌گر خارج از منطقه به ایجاد موازنه در برابر این کشور بپردازد. موضوعی که با واقعیت‌های روابط ایران و روسیه تطابق چندانی ندارد.

بر پایه رئالیزم، عرصه سیاست بین‌الملل دارای سلسله مراتبی مبتنی بر قدرت نظامی است؛ در حالیکه در وابستگی متقابل و حتی نئورئالیزم، ما شبکه پیچیده‌ای از همکاری‌ها را داریم. این در حالی است که حتی همکاری منطقه‌ای ایران و روسیه (همراه با آذربایجان، ترکیه و عراق) بر سلسله مراتب قدرت نظامی و منطق ناز و نیاز استوار است.

برخلاف لیبرال‌ها که اقتصاد باز و آزاد را زمینه مناسبی برای مهار جنگ و تحکیم صلح به حساب می‌آورند، در چارچوب پارادایم رئالیسم، حتی، شرایط باز و آزاد اقتصادی نیز نمی‌تواند مانع اصل رقابت حاد بر سر قدرت شود. حتی اگر به باور کئوهین و نای، وابستگی متقابل و دوطرفه کشورها تنها متضمن داد و ستد اقتصادی پایه و سودمحور نیست و وابستگی متقابل نظامی و راهبردی هم پذیرفتنی است؛ در رابطه میان ایران و روسیه هم وابستگی متقابل و دوطرفه با همین صبغه است و مسایل نظامی و راهبردی همواره در رأس روابط است. پس طبق آموزه رئالیزم، تهران و مسکو نیز به خاطر دستاوردهایی که ممکن است از طریق همکاری‌های اقتصادی بدست آورند وارد همکاری نمی‌شوند، بلکه این دستاوردها در صورتی که بر قدرت نسبی این دو کشور اثر مثبت بگذارد، آن‌ها را به همکاری می‌کشاند.

## ۵) نتیجه‌گیری

اگرچه روابط ایران و روسیه هرگز استراتژیک نبود، اما زمینه زیادی برای گسترش دارد و می‌تواند مستحکم شود. پس از آغاز تحریم‌های غرب علیه روسیه، این کشور سیاست نگاه به شرق را در دستور کار خویش قرار داد و این امید را پدید آورد که ایران بتواند بخشی از نیازهای بازار مصرف بزرگ و نسبتاً روزآمد روسیه را در شرایط پیش‌آمده تأمین نموده و منافع اقتصادی چشمگیری از شرایط به‌وجود آمده کسب کند.

سیاست مسکو در مسأله و بحران هسته‌ای ایران، تأکید بر حق ایران برای استفاده از انرژی هسته‌ای در عین پایبندی به مقررات ان.پی.تی بوده و از دادن هرگونه هزینه‌ای در این باره اجتناب کرده است. با این حال روسیه در تصویب قطعنامه‌های ضدایرانی در شورای امنیت سازمان ملل علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشارکت داشت.

در نتیجه؛ رابطه این دو کشور بر اساس دیدگاه تحلیل نواقع‌گرایی، در راستای افزایش توانایی‌های اقتصادی، نظامی و توسعه استراتژی هوشمندانه در داخل کشورهایشان، و نیز تقویت اتحاد‌های خودی و تضعیف اتحاد‌های طرف مقابل در بحران سوریه قابل تحلیل است؛ که این خود در برابر دیدگاه‌های ساختارگرایانه والتز، در نتیجه فشار سیستماتیک ساختار نظام بین‌الملل است که تهران و مسکو را در یک مسیر که همان تأمین منافع و امنیت ملی است سوق می‌دهد.

همچنین باید افزود، در نگرش نظریه‌پردازان روسیه، جمهوری اسلامی ایران کشوری پنداشته می‌شود که توجه به غرب بطور جدی برای آن مهم است و هر لحظه ممکن است با برقراری ارتباط با جهان غرب و به‌ویژه آمریکا، به جمع محاصره‌کنندگان روسیه بپیوندد. متأسفانه مقامات روسیه همواره از قدرت‌یابی ایران بیمناک بوده‌اند. آنان شکل‌گیری ایران قدرتمند نظامی، سیاسی و استراتژیک را نمادی از تهدید علیه خود می‌دانند. روس‌ها نمی‌توانند ایران متمایل به غرب را برای منافع خود مفید تلقی کنند. از این جهت می‌توان ناخرسندی مقامات روس از شرایط به‌وجود آمده را در احاله دستور پوتین مبنی بر تحویل سامانه S۳۰۰ به زمان نامعلوم مشاهده کرد. باید توجه داشت که ایران نزدیک به غرب برای روس‌ها پذیرفتنی

1. John J. Mearsheimer

نیست و مسکو در صورت احساس خطر از دست رفتن ایران ممکن است واکنش‌های پیش‌بینی نشده‌ای داشته باشد. روس‌ها حتی نسبت به عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای چندان روی خوش نشان ندادند و ایران صرفاً با مساعدت کشورهای چون تاجیکستان و قرقیزستان توانست در نشست ۲۰۰۵ سران سازمان در شهر آستانه به عضویت ناظر پذیرفته شود که پس از عضویت ناظر ایران در این سازمان نیز بدلائل مختلف و بعدها با ملاحظات قانونی از عضویت کامل ایران در این سازمان ممانعت به عمل آمده است. البته درخصوص عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای باید یادآور شد که براساس تصمیم این سازمان، کشورهای که تحت تحریم‌های سازمان ملل هستند امکان عضویت در شانگهای را نخواهند داشت و بدین‌ترتیب ایران از عضویت کامل در این سازمان منطقه‌ای محروم شد. در ماه‌های اخیر و پس از توافقات برجام نشانه‌های مثبتی برای عضویت کامل ایران در شانگهای از جانب روسیه ارسال شده است. لیکن به دلیل برخی مشکلات از جمله محدودیت‌های مربوط به افزایش تولید محصولات صادراتی، بالا بودن استاندارد موردنظر طرف روسی و در برخی موارد وجود ناهماهنگی‌های اداری و موانع صادراتی، امکان گسترش صادرات به روسیه به نحو کامل فراهم نگردید. به دیگر سخن؛ هرچند در دوره پسانتحریم تفاهماتی را در حوزه‌های مختلف میان دو کشور داشته‌ایم، اما این تفاهمات به‌طور کامل به فعلیت و نمود عینی و اثرگذاری بر رابطه دو کشور در بعد اقتصادی و توسعه‌ای نرسیده‌اند.

بر اساس نظریه نئولیبرالیستی وابستگی متقابل، و بر خلاف آموزه رئالیسم کلاسیک، دولت‌ها تنها بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل نیستند در صورتیکه در رابطه میان ایران و روسیه هیچ زمانی، خاصه در بازه‌ی زمانی مورد بررسی این پژوهش که پس از تحریم‌هاست، شرکت‌های خصوصی و فراملی، اشخاص و نخبگان غیردولتی و در کل مجاری چندگانه‌ی نقشی در تعمیق روابط تجاری - اقتصادی و یا فرهنگی نداشتند. حتی روابط آکادمیک نیز در چارچوب روابط انتقال دانش نظامی قابل تحلیل است.

به هر روی با مشاهده این داده‌ها، آنچه استنتاج می‌شود این است که تحریم‌های غرب علیه روسیه نتوانسته تغییری در سیاست‌های عملی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران بدهد. حتی همکاری‌های تجاری دو کشور از ۱۳۹۱ و در پی بحران سوریه و سپس سیاست دولت حسن روحانی و فعال شدن دیپلماسی کشور در قبال روسیه و دیدارهای مکرر مقامات و اعزام سفیر جدید و تحرک بخشی به روابط تهران و مسکو نیز تنها توانست است از روند نزولی تجارت کاسته و در حدود نیم میلیارد دلار آن را افزایش داده و امید به گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری را افزایش دهد. رابطه دو کشور متأثر از تفاوت در موضوعاتی مانند منابع دریاچه مازندران و تحکیم رژیم حقوقی آن، گزینش راهبرد در سوریه و فرجام بحران آن، و نیز در مورد کاهش تولید نفت و ... بیشتر از «همکاری» با عنوان «رقابت» قابل تفسیر است. اگر روسیه (همراه با چین) برای ایران یکی از دو شریک استراتژیک است، ایران برای روسیه از اولویت‌های بسیار پایین‌تری قرار دارد به همین روی ایران پس از گشایش‌های پسابرجام چشم به روابط عمیق‌تر با غرب دارد. در مقابل؛ همکاری ایران و روسیه در موضوع سوریه همچنان استمرار داشته و حتی تقویت شده است. مسئله سوریه بی‌تردید یکی از مهم‌ترین محورهای همکاری دو کشور در تاریخ روابط سیاسی آنها محسوب می‌شود.

درنتیجه؛ طی یافته‌های این پژوهش مشخص گردید که دو کشور ایران و روسیه از فرصت و بستر تحریم‌های غرب علیه دو کشور استفاده بسیار ناکارآمد و ناچیزی داشته‌اند و به تعمیق روابط «تجاری و اقتصادی» خویش پرداختند، لیکن پس از تشدید و بین‌المللی شدن بحران جنگ داخلی سوریه بطرز بی‌سابقه‌ای به گسترش روابط «راهبردی و نظامی» خویش پرداختند تا حدی که به لرزش تابوی واگذاری موقتی پایگاه برای سرکوبی نیروهای سلفی و داعشی ارتقای سطح داده‌اند.

همکاری‌های دو کشور ایران و روسیه برای مقابله با تروریسم در منطقه بویژه بحران سوریه، به طرق گوناگونی در جریان است و موقتاً به هر علت سیاسی و استراتژیکی، همکاری راهبردی و نظامی دو کشور در پایگاه هوایی خاصی بنام شهید نوژه به اتمام رسیده و مسلماً به گونه دیگری این همکاری‌های تداوم خواهد یافت. اما باید در نظر داشت که این دو کشور اهداف متفاوتی را در منطقه دارند. درست است که مسکو و تهران در حال تلاش برای جلوگیری از سقوط رژیم بشار اسد و پیروزی افراط‌گرایان اسلامی هستند، اما اهداف بلندمدت روسیه و ایران اساساً متفاوت است. هدف روسیه (و نیز امریکا بویژه با پیروزی ترامپ متمایل به روسیه) نجات کشور سوریه با هر رژیم و دولتی اما تحت کنترل و مشارکت

فعال خود روسیه است. برای تهران اما ابقای رژیم بشار اسد بعنوان حکومتی علوی حیاتی است ضمن آنکه حراست از رژیم اسد و حزب الله و نیز تقویت نفوذ خود در مناطق پر جمعیت غرب سوریه است که بعنوان یک ابزار ژئوپولیتیک فشار در مرزهای اسرائیل تحلیل می‌شود. ضمن آنکه همزمان از نظر راهبردی مداخله مستقیم این کشور در سوریه به کاهش نفوذ ایران در دمشق منجر شده است.

همچنین باید خاطرنشان ساخت که در سیاست بین‌الملل، روابط میان دولت‌ها بر بنیاد همکاری‌های اقتصادی است و در صورت نبود یک رابطه تجاری، توسعه‌ای و اقتصادی مؤثر، سایر گونه‌های روابط حتی در صورت حاد و برجسته سیاسی و راهبردی، نمی‌تواند چندان استوار و پایدار بماند.

هر چند که در این پژوهش نیز بصورت ضمنی به علل عدم بهره‌مندی از منافع تجاری و اقتصادی در شرایط در تنگنا ماندن روسیه در پی تحریم‌ها و مبتلابه آن در کشور ما نیز بدلیل تحریم‌های بین‌المللی پرداخته شد، لیکن امید است که در پژوهشی مستقل دیگری به آسیب‌شناسی علل عدم بهره‌گیری کشورمان از فرصت مغتنم ارتقای سطح اقتصادی روابط پس از تحریم‌ها پرداخته شود تا بتوان الگوهای مناسب‌تری را برای تصمیم و کنش واقع‌گرایانه‌تر در شرایط و گشایش پس‌برجام در جهانی که همه کشورها به رشد اقتصادی خود و ارتقای معیارهای توسعه ملی خود همت دارند، ترسیم کرد. بویژه آنکه با پیروزی ترامپ بعنوان چهل و پنجمین رییس جمهور ایالات متحده آمریکا، و دیدگاه مثبت اعلامی وی برای رابطه با روسیه می‌بایست به این نکته توجه ویژه داشت که این مسکو خواهد بود که همانند زمان جورج بوش، ترامپ را در قبال ایران آرام کند تا برجام به چالش کشیده نشود؛ هر چند برجام توسط مصوبه شورای امنیت به تصویب رسیده و از توافقنامه بین دولت‌ها به معاهده‌ای رسمی و بین‌المللی در سطح شورای امنیت ارتقا یافته است. افزون بر اینکه دیدگاه ترامپ جهت برخورد قاطع با داعش نیز می‌تواند به فاصله‌گیری از عرب‌ها و نزدیکی به همکاری راهبردی میان ایران و روسیه و دولت بر سریر قدرت دمشق بینجامد.

## منابع

### الف) فارسی:

- آذری، مصطفی و اصغر بالیسنی (۱۳۸۷)، *رویکرد اقتصادی به روابط ایران و روسیه*، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.  
- آقاییف، کامران (۲۰۱۶)، «ابتکار جنوبی پوتین؛ یک شلیک به چهار هدف»، (اصل مقاله روسی: **Южный блицкриг**; **четырёх зайцев-Путина; Одним ударом**)، در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۵ (۵ اوت ۲۰۱۶)، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۲)، قابل دسترسی در:

<http://www.kasparov.ru/material.php?id=57A3C3EA3197A>

- اسپوتنیک فارسی (۲۰۱۵)، «همکاری روسیه و ایران در زمینه اتم صلح آمیز»، در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۵، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۹)، قابل دسترسی در:

[https://ir.sputniknews.com/persian.ruvr.ru/2015\\_01\\_15/282131753](https://ir.sputniknews.com/persian.ruvr.ru/2015_01_15/282131753)

- امامی میبیدی، علی و بشیر اسماعیلی (۱۳۸۷)، «چین و منابع انرژی حوزه دریای خزر»، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، ش ۲، تابستان و پاییز.

- ایواخنیک، الکساندر (۲۰۱۶)، «ایران برای بلندپروازی‌های روسیه مناسب نیست»، (اصل مقاله روسی: **Иран не устроили амбиции России**)، در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲ (۲۳ اوت ۲۰۱۶)، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۹)، قابل دسترسی در:

<http://politcom.ru/21436>

- بخش آمار صادرات و واردات، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به نشانی:

<http://www.tccim.ir>

- تدینی کارزونی، عباس و ناهید توکلی (۱۳۹۰)، «تحولات تحریم در پرتو تحولات بنیادین دهه‌های اخیر»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، تابستان ۱۳۹۰ شماره ۲۶، صص ۹۱-۱۱۴.

- ترنین، دمیتری (۲۰۱۶)، «روسیه و ایران؛ بی اعتمادی گذشته و همکاری فعلی»، (اصل مقاله روسی: **Россия и Иран: недоверие в прошлом и сотрудничество в настоящем**)، در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۸ (۸ سپتامبر ۲۰۱۶)، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۶)، قابل دسترسی در:



<http://carnegie.ru/2016/09/08/ru-64508/j52x>

- جعفری، علی اکبر و روح الله تقی‌نژاد (۱۳۹۱)؛ «بایسته‌های روابط آینده ایران و روسیه؛ از الزامات «فناوری پایه» تا اقتضائات «انرژی محور»»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۸۰.
- حقوقی، محمد و یدالله دهقان (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه»، دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا (ایراس)، شماره ۳۵، مهر و آبان.
- خلبنیکوف، آلکسی (۲۰۱۶)، «حضور بمب‌افکن‌های روسی در ایران به چه معناست؟»، (اصل مقاله روسی: **Что означало присутствие российских бомбардировщиков в Иране?**)، در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۶ (۲۷ اوت ۲۰۱۶)، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۲)، قابل دسترسی در:

[http://russiancouncil.ru/inner/?id\\_4=8060#top-content](http://russiancouncil.ru/inner/?id_4=8060#top-content)

- رفیع، حسین و پیمان جعفری تهرانی و روح الله تقی‌نژاد (۱۳۹۰)، «انگیزه‌ها و بازدارنده‌های برجسته در مجموعه امنیتی منطقه‌ای دریاچه مازندران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۵، زمستان.
- زرگر، افشین (۱۳۸۴)، «تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶، تابستان.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶)، «تحریم اقتصادی از نظر تا عمل»، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، «مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران»، بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی، شماره ۲.
- سویونینا، یلنا (۲۰۱۵)، «کسب و کار روسیه در ایران چشم‌انداز خوبی دارد»، (اصل مقاله روسی: **У российского бизнеса хорошие перспективы в Иране**)، در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۵ (۱۶ ژوئای ۲۰۱۵)، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۲)، قابل دسترسی در:

<http://riss.ru/smi/18990>

- شوری، محمود (۱۳۸۸)، سخنرانی مدیر گروه مطالعات اوراسیا مرکز تحقیقات استراتژیک، در نشست «ایران، روسیه و غرب»، در تاریخ ۸۸/۲/۲۹، (بازدید در: ۱۳۹۴/۱۲/۹)، قابل دسترسی در:

<http://www.csr.ir/Center.aspx?lng/fa&subid/-1&cntid/1892>

- فارس‌نیوز (۱۳۹۳)، «نیروگاه هسته‌ای بوشهر - ۲ پاییز آینده راه‌اندازی می‌شود، ساخت نیروگاه بوشهر - ۲ در راستای منافع تهران و مسکو»، (بازدید در: ۱۳۹۵/۷/۲)، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931121001732>

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸)، *روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری‌ها)*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۹۴)، «ایران و روسیه پس از تحریم‌ها؛ امکان پذیری وابستگی متقابل اقتصادی»، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۳، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۲)، قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/fa/doc/note/933>

- کوژانوف، نیکلای (۱۳۹۵)، «نیروی هوایی روسیه در پایگاه شهید نوژه؛ منافع ایران و روسیه کدامند؟»، (اصل مقاله روسی: **Российская авиация на базе Шахид-Ноже: в чем заключаются интересы Ирана и России**)، در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱ (۲۲ اوت ۲۰۱۶)، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۶)، قابل دسترسی در:

<http://carnegie.ru/commentary/2016/08/22/ru-64368/j3rs>

- کولایی، الهه (۱۳۹۳)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- نبرنچین، سرگئی (۲۰۱۶)، «تعامل ایران و روسیه در منطقه»، (اصل مقاله روسی: **Российско-иранское партнерство в регионе**)، در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱ (۲۲ اکتبر ۲۰۱۶)، (بازدید در: ۱۳۹۵/۸/۹)، قابل دسترسی در:

<http://www.tpp-inform.ru/vedomosti/mir/39018>

- میرسکی؛ گئورگی (۱۳۹۴)، «روابط ایران و روسیه پس از تحریم‌ها»، واشنگتن پست در ۱۹ آوریل ۲۰۱۵، (بازدید در: ۱۳۹۵/۰۴/۱۱)، قابل دسترسی در:

<http://www.csr.ir/Center.aspx?lng/fa&subid/1&cntid/1892>

- ولیزاده، اکبر (۱۳۹۰)؛ «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۳۴۹-۳۶۵.

#### ب) غیر فارسی:

- Chowdhury, Subrata Roy,(1998); *Rule of Law in a State of Emergency: the Paris Minimum Standards of Human Rights Norms in a State of Emergency*, Pinter Publishers, London.
- Debka File (2015), "Sophisticated Russian S-400 missiles for Iran under new military pact, S-300s for Egypt, Syria, Hezbollah", Available from: <http://www.debka.com/article/24354/Sophisticated-Russian-S-400-missiles-for-Iran-under-new-military-pact-S-300s-for-Egypt-Syria-Hizballah> , Accessed on 14 October 2016.
- Heistein, Ari; Michlin-Shapir, Vera (2016); "The Russia-Iran Alliance is Weaker Than You Think", The National Interest, 6 August 2016, Available from: <http://nationalinterest.org/feature/the-russia-iran-alliance-weaker-you-think-15685>, Accessed on 11 October 2016.
- IRNA (2015), "Russian official: Iran-Russia trade relations improved", Available from: <http://www.irna.ir/en/News/81466917/>. Accessed on 16 October 2016.
- Knoema (2014), Available from: <http://knoema.com/mgarnze/russia-gdp-growth-forecast-2013-2015-and-up-to-2060-data-and-charts> , Accessed on 4 November 2016.
- Nelson, Rebecca M. (2015). "U.S. Sanctions on Russia: Economic Implications", Congressional Research Service.
- Oudraat Jonge . *Making Economic Sanctions Work .Survival*, Vol 42, Number 3, 2000.
- Russia Today (2014-A), "Turkey: We're ready to increase food exports to Russia", Available from <http://rt.com/business/180776-turkey-agricultural-exports-russia/>, Accessed on 16 October 2016.
- Von Furstenberg George M, (1991). "Scoring the success of sanctions", Journal Open Economies Review Issue (1990). Volume 2, Number 3 / October.